

دانش ثروتمند شدن نویسنده: والاس والتز

مقدمه

این کتاب به طور انحصاری عملگرا و نوعی رهنمود کاربردی است مجموعه ای از نظریات مختلف فلسفی به ویژه به درد مردم و زنان می خورد که مهمترین نیازشان پول است و می خواهند ابتدا ثروتمند شود سپس نظریه پردازی کنند همچنین برای افرادی است که زمان وسیله و امکان مطالعه عمیق درباره ماورا الطبیعی را ندارند ولی می خواهم بدون پرداختن به این دانش پیچیده از نتایج علمی آن استفاده کنند.

در نظریه بنیادین جهان یکی همه است و همه یکی جوهری واحد خود را به صورت عناصر گوناگون دنیای مادی ابراز می کند این نظریه که از آیین هندو سرچشمه گرفته توانسته است در مدت ۲۰۰ سال به صورت موفقیت آمیز راه خود را به سوی اندیشه دنیای غرب باز کند این نظریه اساس فکری تمام فلاسفه مشاء و فیلسوفانی مانند دکارت اسپینوزا هگل و امرسون است براین به علاقه‌مندان مطالعه عمیق تر این اصول فلسفی کتاب‌های هگل و ارسال را پیشنهاد می کنم من در نگارش این کتاب همه جوانب را برای سادگی و وضوح روش به کار گرفته ام تا برای همگان قابل درک باشد تمام اصول اجرایی این روش از نتایج فلسفی به دست آمده و امتحان خود را با بهترین شکل پس داده است و بی شک نتیجه می دهد اگر به دانستن بیشتر درباره این منابع علاقمندید نوشته های نویسندگان مذکور را مطالعه کنید و اگر خواهان برداشت تکیده و کاربرد علمی این فلسفه ها هستید این کتاب را بخوانید و جز به جز به هر آنچه می گوید عمل کنید

درس اول: حق ثروتمند شدن

هدف زندگی پیشرفت است و هر موجود زنده دارای حق غیرقابل انتقال ای برای نیل به تمام پیشرفت هایی است که ظرفیت کسب آنها را دارد حق انسان از زندگی یعنی حق استفاده آزاد و نامحدود از تمام چیزهایی که برای تعالی ذهنی روحی و جسمانی اش لازم است به عبارت دیگر حق ثروتمند بودن. فردی ثروتمند است که در زندگی هر آنچه ظرفیتش را دارد به دست آورد و هیچ کس بدون داشتن پول زیاد نمی تواند به تمام خواسته هایش درصد پیشرفت زندگی آن را چنان پیچیده کرده است که حتی معمولی ترین زنان و مردان هم برای برخورداری از زندگی به نسبت کامل به ثروتی هنگفت نیاز دارند قیت در زندگی تبدیل شدن به آن کسی است که می خواهید باشید و فقط با بهره‌برداری از چیزهای مختلف می‌توانید با این املا شویید برای این کار باید ثروتمند باشید تا هر آنچه می‌خواهید بخرید و آزادانه از آن استفاده کنید بنابراین دانش ثروتمند شدن اساسی ترین دانش است میل به ثروتمند شدن هیچ ایرادی ندارد میل به سرور حقیقی ارزشمند و سوده شده به زندگی ثروتمند تر کامل تر و پر نعمت تر است کسی که میل به زندگی با نعمت فراوان دارد یا نمی‌خواهد پول کافی برای خرید آن چه می‌خواهد داشته باشد فرد غیر طبیعی است.

سه محرک اصلی برای زندگی وجود دارد؟

۱. جسم ۲. ذهن ۳. روح

هیچ کدام از این محرک ها بهتر یا مقدس تر از دیگری نیست و هر سه به یک اندازه خواستنی هستند.

انسان بدون برآوردن نیازهای جسمانی مثل غذای خوب لباس راحت سرپناه گرم آزادی از نعمت فراوان استراحت و تفریح نمی تواند زندگی مادی کامل داشته باشد او بدون دسترسی به کتاب و زمانی برای مطالعه امکان مسافرت و مشاهده جهان را ندارد یا بدون همراهی فکری نمی تواند از زندگی ذهنی کاملی بهره مند شود در نتیجه انسان باید سرگرمی های فکری داشته باشد و محیط خود را با تمامی هنرها و زیبایی هایی که قادر به استفاده از آنها از پر کنند انسان برای برخورداری از زندگی روحی کامل نیز نیازمند عشق است و عشق در فقر متجلی می شود.

درس ۲: دانش ثروتمند شدن

درست مانند حسابو جبر دانشی دقیق به نام ثروتمند شدن وجود دارد قوانین معینی بر فرایند کسب ثروت حاکم است که هر کسی این قوانین را بیاموزد و از آنها پیروی کند با یقین و قطعیتی ریاضی ثروتمند خواهد شد مالکیت پول و ملک در نتیجه انجام کارها به روش معین به دست می آید و افرادی که کارها را دانسته یا تصادفی به این روش معین انجام می دهند ثروتمند خواهد شد هر مرد یا زنی که انجام کارها به این روش محیط را فرا بگیرد بدون شک ثروتمند می شود برای این گفته خود دلایلی دارد:

ثروت مند شدن به محیط بستگی ندارد زیرا در این حالت تمام ساکنان یک منطقه یا شهر باید توانگر و ثروتمند باشند و ساکنان دیگر مناطق و شهرها همگی فقیر توانایی انجام کارها به این روش مایل به هیچ وجه به داشتن استعداد بستگی ندارد زیرا بسیاری از افراد با استعداد های عالی فقیر باقی می ماند در حالی که دیگران با استعداد های بسیار کمتر از آنها ثروتمند می شوند. ثروتمند شدن نتیجه صرفه جویی یا پس انداز نیست بیشتر افراد خسیس فقیرند در حالیکه ولخرجی ها اغلب ثروتمند می شوند ولی ثروتمند شدن به انجام کارهای خاصی هم که از عهده دیگران بر نمی آید وابسته نیست زیرا دو نفر در شغل مشابه با کارهای یکسان ممکن است یکی سر آدم نشود و دیگری فقیه بماند یا شکسته شود.

سوال این است که آیا امکان دارد این روشنایی آن به قدری سخت باشد که فقط افراد معدودی از عهده آن برآیند؟ خیر این ادعا نمی تواند درست باشد ا همانطور که دیدیم به توانایی های ذاتی بستگی دارد ولی در عمل هم افراد با استعداد ثروتمند می شوند و هم اشخاص تعداد نوابغ و هم افراد غیر کودک هم اشخاص قوی بنیه و هم افراد ضعیف و مریض بنابراین همه افراد و با هر استعدادی می توانند ثروتمند شوند ثروتمند شدن معامله با مردم بودن در جایی است که افرادی برای معامله در آنجا باشند و اگر این افراد مایل به انجام معامله مطابق میل شما باشند که چه بهتر ولی این مطلب نیز هم آنقدر صحت دارد که در مورد محیط صدق می کند.

اگر هر کس دیگری در شهر و منطقه شما می تواند ثروتمند شود پس شما هم می توانید

دوباره می گویم این مساله به انتخاب شغل و حرفه خود ارتباط ندارد زیرا بعضی افراد در هر کسب و کار حرفه ای سر آدم نمی شود در حالی که همسایه دیوار به دیوار شان در همان شغل در فقر باقی می ماند البته بدیهی است که اگر شما کاری را انجام دهید که به آن علاقمند باشید و بیشترین همسویی را با آن داشته باشید عملکرد بهتری خواهید داشت یا اگر استعدادها و مهارت های ویژه ای داشته باشید و آنها را در حرفه ای خاص به کار بگیرید بهترین عملکرد را خواهید داشت.

همچنین بهترین عملکرد آن در جایی است که با موقعیت جغرافیایی شما تناسب داشته باشد بستنی سازی در آب و هوای گرم نسبت به جای سرد بهتر جواب می دهد ماهیگیری در مناطق شمالی شرقی آمریکا نسبت به فلوریدا که قزل آلا در آنجا وجود ندارد موفق تر خواهد بود مهم نیست که تا چه اندازه

فقیر هستید زیرا اگر کارها را به روش معین انجام دهید طولی نخواهد کشید که صاحب سرمایه می شود به دست آوردن سرمایه بخشی از فرایند ثروتمند شدن است و برخی از نتیجه ای که همراه با طبع انجام کارها به روش به دست می آید.

به هر حال اگر شروع کنید و کارها را به روش معین انجام دهید بی شک ثروتمند شد زیرا دلایل یکسان همیشه باعث نتایج یکسان میشود
شما با انجام کارها در حرفه و مکان فعلی تان به روش معین می توانید تمام این امور را به واقعیت تبدیل کنید

درس سوم: فرصت های انحصاری

هیچ انسانی به این دلیل که دیگران ثروت را انحصاری کرده و فرصتها قرار گرفتند فقیر نمانده است شاید برایتان سخت باشد که بتوانید زمام امور هر یک از سیستم های بزرگ راه آهن را به دست بگیرید این عرصه ها به طور کامل انحصاری شده اند ولی حرفه قطارهای برقی هنوز در ابتدای کار خود است همچنین فقط چند سال دیگر مانده است تا حمل و نقل های هوایی به صنعتی بزرگ تبدیل شود. چرا به جای رقابت با شرکت های پیشرفته و دیگران برای کسب موقعیتی در دنیای بهتر توجه خود را به پیشرفت حمل و نقل هوایی معطوف نمی کنید در دوره های مختلف بر اساس نیاز اجتماع و سطح تکامل جامعه امواج فرصت ها در جهات گوناگون پدیدار می شود در عصر حاضر در آمریکا فرصت ها به سمت کشاورزی و صنایع و حرفه های وابسته سوق یافته است امروز برای کارگر صنعتی نیز فرصت های بیشتری مهیاست ولی مشاغلی که با کشاورزی سر و کار دارند نسبت به آنهایی که با کارگر در ارتباط هستند از فرصت های بیشتری برخوردارند.

اگر کارگران آمریکا انتخاب می کردند کارها را به روشنایی انجام دهند می توانستند راه برادرانشان را در بلژیک و دیگر کشورها ادامه دهند و فروشگاه های زنجیره ای و صنایع تعاونی بزرگ تاسیس کنند هرگاه پشت کارگر شروع کند و کارها را به روش معین انجام دهد میتواند به قشر ارباب تبدیل شود قانون ثروت برای آنها نیز درست مانند بقیه است و این همان چیزی است که باید بیاموزند آنها تا زمانی که به انجام کارها مانند گذشته ادامه دهند در همان جایگاه کنونی شان باقی خواهند ماند هیچکس به دلیل کمبود منابع ثروت فقیر نیست زیرا بیش از حد کفایت برای همه وجود دارد فقط از مصالح ساختمانی درونی آلات متحده شاید بتوان قصری به بزرگی عمارت واشنگتن برای هر خانواده بر روی کره زمین بنا کرد.

هر آنچه روی زمین می بینید از نوع اسید ساخته شده و همه چیز از آن شکل گرفته است این جوهر است یا ماده بدون شکل تمام فضای جهان را در بر می گیرد ۱۰ هزار برابر بیش از آنچه تاکنون ساخته شده است هنوز هم ممکن است ساخته شود ولی حتی آن هنگام نیز مواد خام هستی پایان نخواهد پذیرفت هیچ انسانی به دلیل فقر طبیعت و کمبود منابع فقیر نیست منابع مصالح ساختمانی پایان پذیرد مقدار بیشتری تولید می شود هنگامی که خواب چنان پایان پذیرد که مواد غذایی و مواد اولیه تولید پوشاک دیگر در آن رشد نکنند دوباره احیا می شود یا خاک بیشتری تولید خواهد شد به طور کلی بشر به صورتی ثروتمند است و در افرادی فقیرند به این دلیل است که آنها از روش پیروی نمی کنند طبیعت برای پیشرفت زندگی شکل گرفته است و حرکت اجباری آن افزایش در زندگی است و همین دلیل هر چقدر توانسته در خدمت زندگی باشد سخاوتمندانه مورد حمایت قرار گرفته است و هیچ گونه کمبودی نمی تواند وجود داشته باشد مگر اینکه خداوند منکر وجود خود شود و کارهای خود را باطل کند.

درس چهارم: اولین مورد ثروتمند شدن

اندیشه تنها قدرتی است که می تواند باعث تولید ثروت قابل ملاحظه ای از ماده بدون شک شود این ماده که همه چیز از آن درست شده است جوهری است که فکر می کند و اندیشه به هر شکلی ترور اینجور مانند قاره ای است که آنچه را به وجود می آورد حرکت جوهر اصیل بر اساس اندیشه هایش است هر شغل یا فرایندی در طبیعت تجلی اندیشه در جوهر اصیل است و هر گاه ماده بدون شکل درباره قالب یا حرکتی بیاندیشید اما نشر را به خود می گیرد و آن حرکت را ایجاد می کند این همان روش آفرینش هستی است ما در جهان اندیشه که خود قسمتی از عالم تفکر است زندگی می کنیم اندیشه کیهانی پویا در تمام جهات در جوهر بدون شکل توسعه می یابد و ماده متفکر بر اساس این اندیشه حرکت می کند و شکل منظومه های سیارات را به خود می گیرد و با اندیشیدن درباره قالب درخت بلوط بر اساس همین اندیشه حرکت می کند و اگر صدها سال نیز طول بکشد درخت را به وجود می آورد چنین به نظر می آید که بدون شکل در فرآیند آفرینش بر مبنای خطوط حرکت می کند که خودش آنها را بنا نهاده است و در نتیجه اندیشه درخت بلوط به شکل گیری آن درختی تنومند منجر نمی شود بلکه ابتدا خطوط رشد را ایجاد می کند و سپس نیروهای لازم برای تولید درخت را به حرکت در می آورد. اندیشه خامنه ای با طراحی خاص با تأثیر بر جوهر بدون شکل اگر چه باعث شکل گیری آبی خانه می شود انرژی های آفریننده در تجارت و معاملات را به مسیرهای سوق می دهد که باعث تسریع ساخت خانه می شوند ولی اگر هیچ مجرای از پیش وجود نداشته باشد بنگاه خانه بدون انتظار برای فرآیندهای آرام جهان زنده و غیرزنده به طور مستقیم از ماده اولیه شکل خواهد گرفت ان و مرکز و سرچشمه اندیشه هاست تمام اشکالی که انسان با دستانش می سازد باید ابتدا در اندیشه وجود داشته باشد به عبارت دیگر او نمی تواند بدون اندیشیدن درباره اشیا آن را شکل دهد.

هنگامی که انسان در ذهن خود شکلی را مجسم می کند مواد را از اشکال موجود در طبیعت بر می گیرد و تصویری را از آن می سازد تا به اینجا تلاش اندکی در تعامل باهوشمند بودن شکل به خرج داده است زیرا در رویایش هم نمی بیند که او نیز می تواند چنین کارهایی را انجام دهد انسان با دستهای خویش اشکال موجود را اصلاح می کند یا شکل آنها را تغییر می دهد و هرگز از خود نپرسیده است که آیا می تواند با برقراری ارتباط بین اندیشه هایش و جوهر بدون شکل چیزها را تولید کند؟ ما می خواهیم این توانایی او را اثبات کنیم و نشان دهیم که چگونه هر مرد یا زنی می تواند چنین کاری را انجام دهد به عنوان اولین قدم سه گزاره اساسی را بیان می کنیم اول ادعا می کنیم که ماده یا جوهری بدون شک وجود دارد که همه چیز از آن ساخته شده است عناصر و اشکال به ظاهر متفاوت موجود در طبیعت زنده و غیرزنده همگی نمودهای یک عنصر هستند و از ماده ای مشابه ساخته شده است اندیشه ای درون این ماده و تفکر باعث می شود تا اشکال گوناگون تولید شوند انسان مرکز اندیشه هاست و با ارتباط اندیشه هایش با جوهر اسید تفکر می تواند باعث آفرینش یادگیری چیزی شود که درباره اش می اندیشید .

کارشناسی که در نتیجه مطالعه این کتاب و عمل بر اساس گفته هایمان سر آدم نشود دلیلی مثبت بر ادعای من خواهد بود در اینکه با گذر از این فرایند موفق نشود ولی این فرآیند شکست نمی خورد زیرا هر کسی که به طور دقیق آنچه کتاب حاضر به او میگوید عمل کند هیچ کس را کم نخواهد شد همانطور که گفتم انسان با انجام کارها به روش معین ثروتمند می شود و برای این کار باید بتواند برایش بیاندیشند برای انجام کارها طریقه اندیشیدن درباره هر موضوعی است .

مثال:

نگاه کردن به ظاهر بیماری شکلی از بیماری را در ذهن و در نهایت در بدن شما ایجاد می کند و راه حل آن پذیرش این حقیقت است که بیماری فقط ظاهر قضیه است و وجود ندارد و تنها واقعیت سلامتی است به دنبال ظواهر و گشتن اشکال متناظر با آن را در ذهن شما به وجود می آورد مگر این حقیقت را بپذیرید که هیچ فرقی وجود ندارد و تنها واقعیت پورنعمت است اندیشیدن درباره سلامتی و ثروت در محاصره ظاهر مریضی و فقط به راستی نیازمند قدرت فراوان است اما این قدرت را به دست می آورد به شاهزند تبدیل می شود که خواهد توانست بر تقدیر پیروز شود و هر آنچه می خواهد رشته باشد .
بفهم این حقیقت تمام ترس و تردید خود را از دست می دهیم زیرا می دانید که می توانیم آنچه می خواهیم بیافرینیم آنچه می خواهیم به دست آوریم و هر آنچه می خواهیم شویم به عنوان اولین قدم به سمت ثروتمند شدن شما باید سه عبارت اساسی که در این فصل مطرح شد با تمام وجود باور کنید.
برای تأکید بیشتر دوباره آنها را تکرار میکنیم:

۱. ماده ای متفکر وجود دارد که همه چیز از آن ساخته شده است و در حال تأثیر خودش تمام

فضای جهان را در بر میگیرد

۲. اندیشیدن در درون این جوهر آنچه به وسیله اندیشه به تصویر کشیده شود تولید می کند
انسان می تواند چیزها را در اندیشه شکل دهد و با تأثیر گذاری اندیشه اش بر جوهر بدون شکل باعث آفرینش آنچه درباره اش می اندیشید بشود